



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
 تاریخ: ۲۲ آبان ۱۴۰۳  
 موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - مصادف با: ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۴۶  
 آیه نبأ - بررسی استدلال به مفهوم شرط - تقریب شیخ انصاری - کلام شیخ انصاری در لزوم انضمام یک مقدمه و بررسی آن  
 - اشکال محقق عراقی به شیخ انصاری  
 سال شانزدهم  
 جلسه: ۳۷

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم یکی از راه‌های استدلال به آیه نبأ مفهوم شرط است. اگر ما از اختلاف و بحث در حجیت مفهوم شرط عبور کنیم و فرض بگیریم که مفهوم شرط حجت است، آیا این آیه به خصوص مفهوم دارد که به وسیله آن ما حجیت خبر واحد را اثبات کنیم یا خیر؟ پس عمده بحث در صغرای مفهوم شرط است. کبری را مفروض عنه می‌گیریم لکن می‌خواهیم ببینیم آیه «إِنْ جَاءَ كُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» دارای مفهوم شرط است یا خیر؟

عرض کردیم تقریب‌های متعددی بیان شده که برخی از آنها مورد اشکال قرار گرفته است. تقریب اول تقریبی است که شیخ انصاری بیان کردند و دیروز آن را ذکر کردیم، منتهی یک ضمیمه‌ای به نظر ایشان لازم است تا استدلال تمام شود. هرچند خود شیخ انصاری نسبت به این تقریب اشکال هم کرده است. محصل فرمایش ایشان در تقریب اول این شد که آیه به حسب منطوق می‌فرماید اگر فاسقی برای شما خبر آورد باید تبیین کنید؛ مفهومش این است که اگر فاسق خبر نیاورد تبیین واجب نیست. البته یک مصداق دیگر هم دارد، اگر غیر فاسق خبر آورد تبیین واجب نیست. مصداق اول که اساساً سالبه به انتفاء موضوع است، زیرا اساساً کسی خبری نیاورده، اگر فاسق خبری نیاورد تبیین واجب نیست. این یک امر واضحی است، عمده مصداق دوم است که اگر غیر فاسق یعنی عادل خبر آورد تبیین لازم نیست. این مفهوم شرط است.

#### کلام شیخ انصاری در لزوم انضمام یک مقدمه

شیخ انصاری فرمودند اینجا یک ضمیمه ای لازم است و آن اینکه چرا اگر عادل خبر آورد تبیین واجب نیست؟ برای اینکه اگر در مورد خبر عادل تبیین واجب باشد یا بخواهیم بدون تبیین خبر او را رد کنیم لازمه‌اش این است که عادل اسوء حالا از فاسق باشد. زیرا در مورد فاسق می‌گوید تبیین کنید، بعد اگر دیدید درست است عمل کنید، اما اگر قرار باشد بدون تبیین خبر عادل را رد کنیم، معنایش این است که وضع عادل از فاسق بدتر است، زیرا در مورد آن دستور به تبیین می‌دهد ولی می‌گوید این را بدون تبیین کنار بگذارید. اگر هم بگویید که خبر عادل را مثل خبر فاسق قرار دهید و در مورد آن نیز تبیین کنید، لازمه‌اش این است که هر دو مثل هم باشند. لذا برای اینکه این دو مشکل پیش نیاید، هم مثلیت خبر عادل با خبر فاسق و هم اسوئیت حال خبر عادل از حال خبر فاسق، باید بگوییم پس خبر عادل بدون تبیین پذیرفته شود و این همان مفهوم شرط است. بنابراین نظر شیخ انصاری این است که

برای تمامیت استدلال به این آیه از طریق مفهوم شرط باید این مقدمه را ضمیمه کنیم، زیرا خود آیه به تنهایی دلالت بر این مطلب ندارد.

باید این را ضمیمه کنیم زیرا اگر نگوییم خبر عادل بدون تبیین پذیرفتنی است و قائل به حجیت خبر عادل نشویم، لازمه‌اش این است که خبر عادل یا بدتر از خبر فاسق باشد یا حداقل مثل آن باشد. لذا برای اینکه این دو محذور پیش نیاید باید بگوییم خبر عادل بدون تبیین پذیرفته می‌شود و هذا هو معنی حجیة خبر العادل، به این ترتیب آیه می‌تواند دلالت بر حجیت خبر عادل داشته باشد. شیخ انصاری در ادامه یک تبصره هم بیان می‌کند. ایشان می‌فرماید این مقدمه‌ای که گفتیم باید ضمیمه شود تا آیه قابل استدلال باشد در صورتی است که ما وجوب تبیین را وجوب نفسی بدانیم، اما اگر وجوب تبیین را شرطی بدانیم مطلب تمام است و دیگر نیازی به این مقدمه نداریم.

پس به نظر ایشان استدلال به این آیه از طریق مفهوم شرط، در یک صورت نیاز به هیچ ضمیمه‌ای ندارد و آن صورتی است که وجوب تبیین در آیه وجوب شرطی باشد ولی اگر وجوب تبیین در آیه را وجوب نفسی بدانیم به این مقدمه‌ای که گفتیم نیازمندیم. حتما باید آن مقدمه را ضمیمه کنیم و الا نمی‌توانیم به آیه استدلال کنیم. توضیح ذلک: اولاً خیلی کوتاه در مورد وجوب نفسی و شرطی یک توضیحی می‌دهیم.

وجوب نفسی: یعنی اینکه چیزی واجب شود به خاطر خودش نه برای دیگری و نه معلق بر چیز دیگر. وجوب شرطی: یعنی وجوبی که به چیزی به خاطر اینکه شرط شیء دیگر است، تعلق گرفته است. اگر آن چیز دیگر نباشد اصلاً وجوب ندارد. اینجا می‌فرماید «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» امر به تبیین، ظهور در وجوب تبیین دارد. اگر بگوییم وجوب تبیین وجوب نفسی است، معنایش این است که تبیین در هر صورت واجب است، یعنی وقتی یک فاسقی برای شما خبر آورد تبیین واجب است چه بخواهید به آن خبر ترتیب اثر دهید یا ندهید. لذا به محض اینکه فاسق خبر آورد برو جستجو کن، حتی اگر قصد عمل و ترتیب اثر دادن به خبر او را نداری. اگر گفتیم وجوب تبیین یک وجوب شرطی است، معنایش این می‌شود اگر فاسقی برای شما خبر آورد تبیین واجب است در صورتی که بخواهید به آن خبر ترتیب اثر دهید، به شرط اینکه بخواهید آن خبر را قبول کنید و الا اگر بنا ندارید که به خبرش اهمیتی بدهید و نمی‌خواهید اثری بر خبر او مترتب کنید دیگر تبیین لازم نیست.

شیخ انصاری می‌گوید اگر وجوب تبیین نفسی باشد، ما نیاز به این مقدمه داریم، اما اگر وجوب تبیین شرطی باشد دیگر نیازی به آن مقدمه نیست، زیرا اگر وجوبش نفسی باشد معنای آیه این می‌شود، اگر فاسق برای شما خبر بیاورد باید تبیین کنید، اما اگر عادل خبر بیاورد آن را کنار بگذارید و تبیین نکنید، یعنی بدون تبیین آن را رد کنید. این لازمه‌اش این است که عادل اسوء حالا از فاسق باشد، لذا برای اینکه این مشکل پیش نیاید شق دیگر را باید انتخاب کنید و آن هم اینکه اگر عادل خبر آورد تبیین لازم نیست نه اینکه بدون تبیین کنار بگذارید.

اما اگر وجوب شرطی باشد، دیگر نیازی به این مقدمه نیست، زیرا خود وجوب شرطی این معنا را می‌رساند، چون وجوب شرطی تبیین یعنی اگر می‌خواهید به خبر عمل کنید تبیین کنید؛ وقتی خود وجوب شرطی این معنا را می‌رساند مفهومی این است که در مورد عادل اگر می‌خواهید عمل کنید تبیین لازم نیست، دیگر اینجا مسئله اسوئیت حال عادل نسبت به فاسق مطرح نیست.

آیا «تبینوا» ظاهر در وجوب شرطی است یا وجوب نفسی؟ این مسلمان ظهور در وجوب شرطی دارد. زیرا در جمله بعدی که به عنوان تعلیل بیان شده است می‌گوید «أَنْ تُصَيَّبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» اگر یک فاسقی برای شما خبری آورد تبیین کنید به این دلیل که ممکن است کاری کنید از روی جهالت که برای یک قومی مشکلاتی ایجاد کند. «أَنْ تُصَيَّبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» در صورتی محقق می‌شود که بخواهیم به خبر عمل کنیم و الا اگر بنای عمل به خبر نباشد، اصلاً اصابت قوم بجهالت، سالبه به انتفاء موضوع می‌شود، اگر قرار باشد به خبر عمل نکنیم دیگر مشکلی پیش نمی‌آید، کاری نمی‌خواهید بکنید که نگران باشید که یک وقت از روی جهالت موجب بروز مشکلاتی برای دیگران بشوید. پس این علتی که در ادامه آیه بیان شده، قرینه است بر اینکه وجوب تبیین در اینجا وجوب شرطی است، یعنی تبیین واجب است در صورتی که بخواهیم به خبر عمل کنید، این یک قرینه واضح و روشنی است.

به علاوه اینکه خداوند بخواهد تبیین را در هر صورت واجب کرده باشد، بعید است. یعنی بگوید هرگاه فاسقی برای شما خبری آورد تکلیف دارید که تبیین کنید چه بخواهید به آن خبر عمل کنید یا نکنید، این فی نفسه بعید است که خدا چنین تکلیفی را بر عهده انسان بگذارد و بگوید هر وقت فاسقی برای شما خبری آورد ولو نمی‌خواهید به آن خبر عمل کنید و یا ترتیب اثر بدهید، حتماً تبیین و تفحص و جستجو کنید تا به نتیجه برسید، این خیلی بعید است که خداوند متعال یک چنین تکلیفی را به عهده ما بگذارد.

نتیجه‌اش اینکه چون وجوب تبیین یک وجوب شرطی است، در مقام استدلال به این آیه از طریق مفهوم شرط، دیگر نیازی به ضمیمه مقدمه نیست و بدون ضمیمه نیز می‌توان مفهوم شرط را از این آیه استفاده کرد.

ما هنوز وارد اشکال شیخ انصاری به این تقریب نشدیم و داریم تقریب ایشان از مفهوم شرط بیان کنیم.

### سوال:

استاد: آن مطلب دیگری است که بعداً بیان می‌کنیم. آنجا بعضی می‌گویند فاسق چون تعمد بر کذب دارد، این باید تبیین شود، بحث لزوم تبیین از این جهت است. فاسقی که این را می‌گوید بنای بر دروغ و تعمد بر کذب دارد، نه اینکه یک شراب خور باشد، زیرا ممکن است شراب خور باشد و راستگو باشد، این فاسقی که اینجا می‌گوید به خاطر تعمد او بر کذب می‌باشد.

### اشکال محقق عراقی به شیخ انصاری

محقق عراقی اینجا یک اشکالی کرده است<sup>۱</sup> که خودتان آن را مطالعه کنید. ایشان می‌گویند وجوب تبیین نه نفسی است و نه شرطی بلکه وجوب غیری دارد و بعد می‌گویند اگر وجوب غیری شد به طور کلی به این مقدمه نیاز داریم. حرف ایشان این است که در هر حال اگر بخواهیم به این آیه استناد کنیم و از طریق مفهوم شرط حجیت خبر عادل را ثابت کنیم این مقدمه را لازم داریم زیرا اینجا این وجوب، نه نفسی است، بلکه غیری است اما این وجوب غیری چطور باعث می‌شود ما به مقدمه نیاز داشته باشیم، بحثش طولانی است. یعنی در واقع به شیخ انصاری اشکال می‌کند زیرا شیخ انصاری فرمود اگر وجوب شرطی باشد به این مقدمه نیاز نداریم، اگر وجوب نفسی باشد به این مقدمه نیاز داریم. محقق عراقی می‌گوید اینجا وجوب نه نفسی است و نه شرطی بلکه وجوب غیری است و اگر وجوب غیری باشد حتماً به این مقدمه نیازمندیم. حال تقریر حرف ایشان خودش یک مرحله است، بعد بررسی این ادعا که

<sup>۱</sup> نه‌ایه الافکار، ج ۳، ص ۱۰۸.

آیا اساساً اینجا وجوب غیری می‌شود تصویر کرد و اگر وجوب غیری باشد آیا نیازی به این مقدمه هست؟ این را دیگر خودتان مراجعه کنید.

### بحث جلسه آینده

شیخ انصاری سپس به این تقریب اشکال کرده است. ایشان می‌گویند این آیه دلالت بر مفهوم شرط ندارد. بحث صغروی می‌کند، می‌گوید از «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» استفاده نمی‌شود که اگر عادل خبر آورد نیاز به تبیین ندارد، یعنی حجیت خبر واحد را نمی‌شود از آن استفاده کرد. چطور؟ اینجا نیازمند توضیح است که انشاء الله در جلسه بعد بیان می‌کنیم. محصل آن این است که جمله شرطیه در صورتی مفهوم دارد که شرط محقق موضوع نباشد، اما اگر جایی شرط محقق موضوع باشد دیگر جمله شرطیه مفهوم ندارد.

«والحمد لله رب العالمين»